

جایزه

«سربازنامه» با صدای پرواز همای ماندگار شد

حاج قاسم؛ همای سعادت بر شانه موسیقی

صفحه ۵

گزارشی از اختتامیه دومین یادواره روایتگری سردار مقاومت

صیافتی به میزبانی دو ناشناس

۷

گفت‌وگویی «جام جم» با مسعود ده نمکی، کارگردان سریال شبکه یک

ویژه

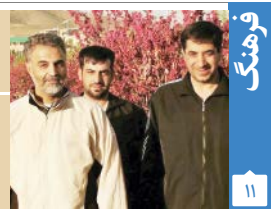
آزادی مشروط برای ثبت در تاریخ

۸

گفت‌وگویی «جام جم» با محافظ و همراه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی

شخصیت فرهنگی حاج قاسم، راز تاثیرگذاری اوست

فرهنگ



۱۱

گفت‌وگویی «جام جم» با کارگردان ویژه‌برنامه شبکه ۲

نجوای مقاومت همواره به گوش می‌رسد

۶

گفت‌وگویی «جام جم» با سهیل اسعد، دبیر سیزدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار

مکتب نادر طالب‌زاده را ادامه می‌دهیم

فرهنگ



۱۰

یادداشت

شخصیت‌پردازی را فراموش نکنیم



خودم به عنوان بازیگر وقتی پیشنهاد بازی در یک سریال ارائه می‌شود سعی می‌کنم ببینم چقدر نقش پیشنهادی متفاوت با کارهای قبلی است و چقدر جای مانور دارد و برای همین است که چندان علاقه‌ای به

ایفای نقش‌های تیبیکال ندارم.

یکی از گونه‌های خوب سریال‌سازی که در دوره‌های مختلف، مخاطب دارد گونه کمدی است، ولی انتظار داریم کمدی‌های تولیدی، نسبت به قبل پیشرفت داشته باشند.

در مقوله کمدی‌سازی این‌که توجه کنند به خلق کاراکتر کمدی نیز بسیار اهمیت دارد، ولی واقعا چند درصد فیلمنامه‌های طنز نگارش شده به سمت خلق کمدی می‌روند؟ مطمئن خیلی اندک است و به جایش یک سری

کمدی تولید می‌شود که به جای داستان‌پردازی و خلق کمدی موقعیت از بازیگران، شیرین‌کاری می‌خواهند بلکه مخاطب بخندد. این مسأله‌ای غیرحرفه‌ای است که نقش مهم نویسنده فیلمنامه فاکتور گرفته شود و بازیگر باشد که

بخواهد با بداهه‌پردازی، فیلم را سریال را جلو ببرد. اگر نویسنده، نویسنده باشد و بتواند کاراکترهای لازم را در

فیلمنامه پردازی کند، بدیهی است بازیگر حرفه‌ای هم به خوبی خواهد توانست نقش را درک و آن را بازی کند و البته نباید نقش کارگردان را در اجرای نماهای کمدی هم در نظر گرفت، چون هرچقدر متن آماده باشد باز کارگردانی که تجربه کافی دارد می‌تواند به آن نقش و جایگاهش اهمیت

افزون دهد. برخی کارگردانان از بازیگران قدیمی فقط اجرای تیب می‌خواهند که گاهی لازم است، ولی نباید که سریال را با

تیپ‌سازی هدر داد. درست است که شاید بازیگر قدیمی و پایه سن‌گذاشته نتواند انرژی فیزیکی لازم را داشته باشد، ولی هوش و ذکاوت بالای

بازیگران قدیمی باعث می‌شود درک بهتری از تحلیل نقش داشته باشند و همین درک باعث می‌شود نقش را به طور ویژه ارائه کنند. برای امثال من که کار تئاتر کرده‌ایم ایفای تیب زیاد سخت نیست، اما لذتی که ایفای کاراکتر واقعی دارد، تیپ‌سازی ندارد.

این‌که به من پیشنهاد بازیگری بدهند فقط برای نقش‌های مادریمزگی که ده بار قبلا آنها را ایفا کرده‌ام، لذتی ندارد چون حس بازیگری را از من می‌گیرد و شخصا وقتی تفاوتی در کاراکتر و حتی داستان با سایر آثار قبلی که در آنها بازی کرده‌ام، حس نکنم همکاری نمی‌کنم. گاهی رد یک پیشنهاد

نادرست هم از قبول یک پیشنهاد درست است، چون تا حرفه‌ای فکر نکنیم نمی‌توانیم تفاوت پیشنهاد‌های مختلف را حس و بهتر را از بدتر جدا کنیم.

«سربازنامه» با صدای پرواز همای ماندگار شد

حاج قاسم؛ همای سعادت بر شانه موسیقی

میدان‌های مبارزه را شرح می‌دهد.

آرش کمانگیر و سردار سلیمانی

افشین علا دربارۀ روند شکل‌گیری این منظومه می‌گوید: طرح این کار را در ابتدا آقای وحید حقانیان که از دوستان سردار سلیمانی بودند، به من پیشنهاد دادند. ایشان پیشنهاد تمثیلی را دادند و آن هم تمثیل آرش کمانگیر و قاسم سلیمانی بود. با خودم فکر می‌کردم که چقدر زیبایست و چرا به ذهن خودم نرسیده بود؟ آغاز این منظومه، سفری به کرمان داشتم و مزار سردار را زیارت کردم و پس از آن بود که سرودن اشعار را آغاز کردم؛ هر تعداد بیتی که می‌سرودم فقط برای آقای حقانیان می‌فرستادم و این کار برای تشکر از طرحی بود که او داده بود. تا پایان کار هم به دلیل ارادتی که به شهید داشتم، پیگیری‌های ایشان ادامه داشت. وی در خصوص علت این تمثیل نیز گفت: این‌که

بدانیم چهره آرش در ادبیات حماسی ایران چه شکلی است و چگونه می‌توان از این ظرفیت بهره برد، به نظرم هیچ مصداق عینی به جز شهید سلیمانی برای آرش کمانگیر پیدا نمی‌شود. آرش یکی از اسطوره‌های شعر فارسی است اما حاج قاسم سلیمانی این اسطوره را به عینیت رساند و به عبارت دیگر، تجسم آن اسطوره در واقعیت شد. آرش کمانگیر جان خود را در تیری قرار داد که آن تیر، اقتدار و گستردگی مرزهای ایران را به تصویر کشید و همین موضوع سبب جاودانگی او شد. شهید سلیمانی هم جان خود را در سخت‌ترین شرایط در کف گذاشت و حوزه اقتدار ما را از مرزهای مان تا مدیترانه و تا قلب ریم صهونیستی فراتر برد و در این راه جانش را نیز فدا کرد. از این منظر، کار ایشان شبیه به همان در چله گذاشتن تیری است که آرش انجام داد. شهید سلیمانی جانش را فدا کرد اما امنیت و اقتدار ما را تضمین کرد. این تمثیل بسیار زیبایست.

«سربازنامه»، از متن تاجرا

پرواز همای جگانه‌سرا، خواننده و سرپرست گروه مستان حال‌پس از دو سال از انتشار منظومه حماسی افشین علا، تصمیم گرفت این سروده را در قالب موسیقی آرمایی کند.

او که در زمینه هنر آواز، شاگرد اساتیدی همچون فریدون پوررضا، سید کمال‌الدین عباسی، هنگامه اخوان و کریم صالح عظیمی بوده و در زمینه شعر و ادبیات فارسی از اساتیدی چون علیقلی محمودی بختیاری، حبیب نبوی، منصوره ثابت‌زاده، محمود



موجودیت جانی و غیرجانی خود را در راه دفاع از مردم و سرزمینش به میدان نبرد می‌برد و در نهایت نیز در این راه به شهادت می‌رسد.

هنر علا در این مجموعه توانایی در پیل زدن میان تخیل، واقعیت و اسطوره و شبیه‌سازی آنها با یکدیگر است. او در این مثنوی بلند هم به حماسه‌های کهن ایرانیان اشاره می‌کند و هم گریزی به شکل‌گیری نهضت اسلامی ۵۷ و سال‌های دفاع مقدس می‌زند و از دل آنها به ترسیم شاعرانه‌ای از وضعیت سال‌های اخیر ایران و منطقه پرداخته و صف‌آرایی جبهه حق و باطل را به تصویر می‌کشد. او در ادامه این مقدمه، به سراغ قهرمان اصلی داستان خود یعنی قاسم سلیمانی می‌رود و سال‌ها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه او در

منظومه‌ای با نگاه اساطیری

«سربازنامه» منظومه‌ای بلند و حماسی است که در ۴۸ صفحه، در سال ۱۳۹۹ به همت انتشارات مکتب حاج قاسم منتشر شد. شاعر این حماسه ماندگار، افشین علا شاعر و نویسنده خوشنام ایرانی است که در سرودن اشعار حماسی درباره مناسبت‌های ملی و دینی به چهره شناخته‌شده‌ای مبدل شده است.

او در این منظومه با الهام از داستان افسانه‌ای آرش کمانگیر به خلق منظومه‌ای حماسی پرداخته است. نکته قابل‌تأمل این‌که قهرمان داستان، خود راوی این منظومه است. آرش در این منظومه با سفری تاریخی به سردار شهیدی مبدل می‌شود که مانند پاره‌تن ایرانیان معاصر، تمامی

درنگ



مثنوی «سربازنامه» که از سوی افشین علا به رهبر حکیم انقلاب تقدیم شده، مورد تمجید معظم‌له قرار گرفته بود. در متن تقریظ مقام معظم رهبری بر این اثر آمده است: رسا و شیوا و خوش‌لفظ و معنا سروده شده است. منظومه ماندگاری خواهد شد ان‌شاء... این قریحه و این توفیق را به آقای افشین علا تبریک می‌گویم



علی رحیمی
آرژو فرهنگ

چهره‌های ملی که درون اجتماع دارای جنبه‌های وفاق و همدلی هستند و این توانایی را دارند که عموم جامعه را در یک مسیر، هم‌نظر کنند، برای رسانه‌های هنری در جهت تولید محتوا در اولویت قرار دارند. این‌که در چهار دهه گذشته واژه شهید، چهره شهیدا و رسم و منش آنها به یکی از موضوعات اساسی هنر ایران بدل شده و اتفاقاً استقبال خوبی نیز از سوی جامعه برخوردار شدند، مویدهمین موضوع است.

در این میان اما سردار شهید، حاج قاسم سلیمانی به دلیل ویژگی‌های اخلاقی و معرفتی و همچنین احساسی که ایشان نسبت به ایرانی بودن در منطقه و جهان ایجاد کرد، از جایگاه بالاتری برای شهید وطن‌پرستی برخوردار است. شهادت مظلومان حاج قاسم با حمله تروریستی در زمانی که او منطقه را از دشمنان تروریست پاکسازی کرده بود، بر عنصر شخصیتی این سرباز وطن افزود که امروز شاهد هستیم، مرام و مسلک طی سه سال از شهادت او به یکی از موضوعات اساسی فرهنگ و هنر بدل شده و از آثار مکتوب تا تئاتر و موسیقی با موضوع این شهید و الا مقام در حال تولید و عرضه عمومی در جامعه است.

«سربازنامه»، در نای شهید قاسم سلیمانی

یکی از تولیدات قابل توجه که به مناسبت سومین سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی ارائه شد، روایت موسیقایی «سربازنامه» است که در نثرای حاج قاسم سلیمانی با هنرمندی پرواز همای خواننده با سابقه موسیقی سنتی تولید و همزمان با سومین سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی در تالار وحدت رونمایی شد. این آلبوم به همت سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و بنیاد مکتب حاج قاسم، حفظ و نشر آثار شهید شهید قاسم سلیمانی و در ستایش مقام قهرمانان افسانه‌ای شاهنامه (آرش کمانگیر و سیاوش) ساخته شده است.

«آرش»، «دشمن»، «بیرتاب»، «مرز وطن»، «بیر قبیله»، «حلقه وصل»، «سیاوش دیگر»، «رفیق خفته درخون»، «پیاله خون»، «تفنگم»، «خدا و میهن»، «اشک عالم» و «بیرتاریخ» قطعاتی است که در این آلبوم گنجانده شده‌اند.

طیاری و دکتر اصغر داد به بهره‌گرفته است. خیلی سریع در میان مردم محبوب شد. موضوعی که او علتش را در زبان گویای جامعه بودن می‌داند.

او که این روزها یکی از پرطرفدارترین خوانندگان موسیقی سنتی است و اجراهای مختلفی در داخل و خارج از کشور داشته، می‌گوید: «...دغدغه من از یک سو این بود سخنی گفته شود که تاکنون در موسیقی ما بر زبان رانده نشده است و از سوی دیگر، چون در زمانه‌ای زیست می‌کنیم که یک جامعه بسیار دغدغه‌مند داریم، این دغدغه‌ها باید در کارهای ما نمود یابد؛ چراکه هنرمندان زبان گویای جامعه خوشند. پیشباز مردم از گروه مستان، ایمان مرا به درستی راهی که می‌رویم، صدق‌چشم‌ها باید در کارهای همواره تلاش کرده‌ایم بهتر از گذشته باشیم، سستی‌ها و کاستی‌های خود را بشناسیم، سخنان منتقدان دلسوز را به دیده بگیریم و آنی شویم که بتواند نمادی از فرهنگ ایران باشد. موسیقی، اثرگذارترین ابزار در ارتباط با مردم و رساندن پیام‌هاست. بنابراین می‌شود و باید از موسیقی برای گسترش ادبیات اندیشه‌مند و جهان‌بینی والا و انسان‌محورانه در جامعه سود جست...».

صداین که دغدغه مردم دارد

همای با همین تفکر آثار ماندگاری همچون «چامه‌ها و چگامه‌ها»، «جدال عقل و عشق»، «بانوی ایرانی»، «سربازان»، «دیوانه‌چو دیوانه ببیند»، «این چه جهانیتست؟»، «در حسرت دیدار»، «در شب گیسوان تو»، «خدا در روستای ماست»، «ملاقات با دوزخیان»، «ایرانی موسی و شبان» و «مرغ ناله نکره سر مکن» را از خود به یادگار گذاشته است. حالا پرواز همای دست روی منظومه‌ای گذاشته که در وصف حال اسطوره نامی این روزهای تمدن ایران، نوشته شده است تا نشان دهد به این خاک، دغدغه‌هایش، رویدادهایش و همه مردمش عرق دارد. همان‌گونه که همواره در گفت‌وگوهایش نشان داده است: «...ایم را اولین بار در این خاک زمین گذاشتم و همین جا هم می‌میرم. من به این خاک مدیونم. من به این مملکت وابستگی دارم؛ به همه باورهایی ملی، دینی و اجتماعی‌اش باور دارم و همین جامی‌مانم. اگر من در اینجا نمانم و تقسم را ایفا نکنم، چه کسی باید این کار را بکند؟ این وظیفه و رسالت من است. ما فقط اجراکننده نیستیم. تک‌تک ما محافظان این فرهنگ و هنر و ادبیات هستیم، پس می‌مانم تا برای مردم سرزمینم بخوانم.»



برای شنیدن بخش‌هایی از «سربازنامه» کیوارکد را اسکن کنید